

هنگامی که وسوسه شدم باور کنم که باید به این مبارزه با ابزاری که توسط رقیبا تعریف شده بود پاسخ بدهم، شکست خوردم. وسوسه شدمم و اشتباهی سنگین کردم هنگامی که فکر کردم که اگر از خودم با همان ابزاری که آنها علیه من به کار بردند محافظت نکنم، تمام ادعاهای روزنامه‌نگاری من به پیشرفت این روزنامه کمک نخواهد کرد. می‌خواستم در برابر توطئه کنندگان برای روزنامه، از آن دفاع کنم. این توطئه‌ای زمان‌بر و متمرکز بود. تمایل بیش از حد، اشتیاق، نگرانی و عشق اشتباهات من بودند. هر کسی که با اطلاعات اینن پرونده آشنایی دارد به‌ خوبی می‌داند که من ناخواسته به این موضوع کشیده شدم، من را به عنوان تنها مقصر اصلی در این پرونده نشان دهد، در حالی که مجموعه گسترده اقدامات غیرقانونی دیگران نادیده گرفته شد. به دلایلی که برای من غیر

آنها پشت نکردیم. و این دلیل دیگری است که چرا این‌قدر این خانواده مهم است. اما این کابوس بعد از آزادی عوفر هم به پایان نرسید. آزار و اذیت و انتقام از طریق اخاذی وحشتناکی که عوفر برخلاف میلش به سوسی آن کشیده شد، ادامه پیدا کردند؛ اخاذی که متأسفانه به کیفرخواست بسیار بد و تهدید او به بازداشت طولانی مدت و

از زمان پرونده «ایران گیت» که بعد از بازجویی منظم و طولانی و تهمت‌های بسیار در رسانه‌ها بدون وقفه از آن خارج شدم، کمپین علیه من و خانواده‌ام متوقف نشد. این‌گونه به نظر می‌رسید که امتناع‌هایی از هضم این واقعیت وجود دارد که تمام فعالیت‌های پرونده «ایران گیت» بدون نقص بودند و برای نجات جان انسان‌ها و ایجاد زیر ساخت روابط نزدیک بین ایران و اسرائیل و ایالات متحده آمریکا طراحی شده بودند. من و خانواده‌ام به عنوان هدفی نشانه رفته بودیم که تمام ابزارهای قانونی به آن ضربه بزنند.

تسزل عوفر انجام دادند. بعد از آنکه عوفر که چرا این‌قدر این خانواده مهم است. اما این کابوس بعد از آزادی عوفر هم به پایان نرسید. آزار و اذیت و انتقام از طریق اخاذی وحشتناکی که عوفر برخلاف میلش به سوسی آن کشیده شد، ادامه پیدا کردند؛ اخاذی که متأسفانه به کیفرخواست بسیار بد و تهدید او به بازداشت طولانی مدت و

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیم‌ودی برای اسرائیل – ۶۷

آزار و اذیت و انتقام بر سر «ایران گیت»

عذاب وحشتناک منتهی شد. فقط وقتیکه عوفر از تمام اتهامات وحشتناک تبرئه شد ما نور را دیدیم.^[۱] از زمان پرونده «ایران گیت» که بعد از بازجویی منظم و طولانی و تهمت‌های بسیار در رسانه‌ها بدون وقفه از آن خارج شدم، کمپین علیه من و خانواده‌ام متوقف نشد. این‌گونه به نظر می‌رسید که امتناع‌هایی از هضم این واقعیت وجود دارد که تمام فعالیت‌های پرونده «ایران گیت» بدون نقص بودند و برای نجات جان انسان‌ها و ایجاد زیر ساخت روابط نزدیک بین ایران و اسرائیل و ایالات متحده آمریکا طراحی شده بودند. من و خانواده‌ام به عنوان هدفی نشانه رفته بودیم که تمام ابزارهای قانونی به آن ضربه بزنند.

بعد از شکست سخت آن‌ها برای محکوم کردن من، سراغ بصرم عوفر رفتند. گروهی از عوامل هر کاری را که می‌توانستند برای



انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن– ۱

باورقیResearch@kayhan.ir

که متوجه شده بود او حقه‌باز است و دروغ می‌گوید، بارها و بارها درخواست او را رد کرد. اما در نهایت فریدن راهی به دادستان کل پیدا کرد. او وکیل یعقوب آمستر را که به عنوان دوست شخصی دادستان کل شناخته شده بود، اجیر کرد و از طریق او یک گوش دلسوز نزد این دادستان یافت. در پی این تغییر تحقیقات آغاز شد و برای معامله با فریدن فشار اعمال شد، که طبق آن به او موقعیت جایگاه شاهد داده شد. همچنین وقتی که بعد از آغاز تحقیقات علیه عوفر، با نوارها و مدارک دیگر ثابت شد که وکیل آمستر با فریدن در تلاش برای اخاذی یک میلیون دلاری از عوفرهمکاری داشته است، آن موقع هم آمستر و فریدن پاسخگوی عدالت نبودند و محاکمه نشدند، و به مجرم تپهکار، دروغگوی روانی، شاهد رفی فریدن اتکا کردند، در حالی که قبلاً قاضی زکریا کاسبی، معاون رئیس دادگاه قضات در تل‌آویسو درباره او گفته بود: «قاعدتاً، این متهم برای من قابل اطمینان نیست [...] با وجدان و با صداقت نیست، بی‌وجدان است [...] گفته‌هایش مشکوک به خلاف حقیقت و آغشته به منافع شخصی است [...] اقداماتش اهانت به دادگاه است.» و عبارات بی‌ظنیر و بسیار تند دیگر، من خاطر نشان می‌کنم، وکیل آمستر که نیروی محرکه پشت معامله شهادت نفرت‌انگیز بود، فقط یک وکیل جزایی نبود بلکه او برای مأموریتی با دلایل نامعلوم برای من استخدام شده بود که وقتی زمانش برسد آن‌ها را آشکار خواهم کرد. نمی‌توانم از انگیزه روینشتاین در اعطای موقعیت شهادت‌دهی به رفی فریدن تعجب نکنم.

پانوشت:
۱- م: طبق روایت رسانه‌های عبری، عوفر نیم‌ودی در دو مقطع با دو پرونده محکوم و زندانی شده است. ابتدا طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۹ زمانی که سردبیر معارو بود به دلیل دستور ششود غیرقانونی ه ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شد. ده ماه پس از آزادی در دسامبر سال ۱۹۹۹ در پرونده‌ای دیگر متهم به اجماع و تبانی برای ارتکاب قتل آرنون موزس و عاموس شسوک شد که در نهایت به جرم ممانعت از اجرای عدالت، کلاهبرداری و خیانت در امانت محکوم به ۲۵ سال حبس(۱۵ ماه تعزیری و ۱۰ ماه حبس تعلیقی از پرونده قبل) شد. یعقوب نیم‌ودی در این‌ بخش و بخش‌های بعدی از این فصل خاطراتش به جزئیات پرونده‌های قضائی پسرش می‌پردازد. او ضمن اشاره گذرا به جرایم پسرش عوفر، بیشتر سعی دارد نقش جریان رقیب را در مسئله برجسته کرده و عمده تقصیرات را متوجه آن کند. اما آنچه مهم‌تر از جزئیات این نزاع به نظر می‌رسد، ناپروستی موجود میان صهیونیست‌های ساکن اراضی اشغالی است که یعقوب نیم‌ودی ماجرای میان معارسو و پدیدوت‌آخارونو را نیز در همین بستر تعریف می‌کند. باید توجه داشت یکی از انگیزه‌های نیم‌ودی برای نگارش کتاب خاطراتش همین نژادپرستی و احساس ظلمی است که فکر می‌کند در حق او و خانواده‌اش رخ داده است. به همین دلیل این بخش از خاطرات او را علی‌رغم اینکه حاوی اطلاعات قابل توجهی نبود، حذف نکردیم تا مخاطب صرفاً در جریان بخشی از اختلافات داخلی صهیونیست‌ها قرار گیرد، اختلافاتی که ریشه‌هایی عمیق دارند.

فصل بیست و شش: معامله بد
در این دنیای پست، هر چیزی بر اساس رنگ شیشه‌ای که از آن به دنیا نگاه می‌کنید، درست یا غلط خواهد بود. (کالدرون د لا بارکا)
در طول باقی‌مانده سال ۱۹۶۷ و اوایل سال ۱۹۶۸، جوسلسون خود را از لحاظ روحی و جسمی فرسوده و ناتوان می‌یافت و هر روز به سردرگمی و تلخی‌هایی فکر می‌کرد که اعمالش به وجود آورده بود.

جیابراکاش نارایسان، رئیس کنگره آزادی فرهنگی هند، نوشت: «برای من غیرقابل درک است که چگونه آن کسی که به آزادی، به جامعه باز، و به تناسب اخلاقی بین اهداف و وسایل باور دارد، می‌تواند فکر کند که پذیرفتن بوجه از یک

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۲۱۶



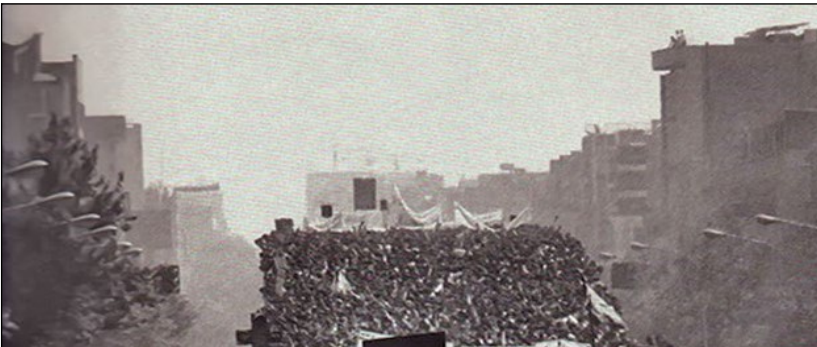
سازمان جاسوسی بین‌المللی، درست بوده «است».
او اضافه کرد: «رزیایی بنده این نیست که کنگره همیشه با استقلال عمل کرده است... سازمان سیا فقط کاری را انجام می‌داد که برای خود مفید می‌دانست.»
ک.ک.سینها در نامه‌ای برای اعلام استعفای خود از دفتر هند نوشت: «اگر

در اروپا و آمریکا، دور از آنچه ک.ک.سینها «صدای تهدید ویرانگر» نامید واکنش‌ها متفاوت بود. مایکل پولانی سروصدا پیرامون افشاگری‌هایی که درمورد سازمان سیا شده را «بی‌ارزش» خواند و گفت: «اگر از وجود سازمان سیا باخبر بودم، با خوشحالی در سال‌های بعد از جنگ برای سازمان سیا خدمت می‌کردم.» کاستلر آن را صرفاً «طوفانی در فتنان» توصیف کرد که فروکش خواهد کرد. یهودا منوئیهن می‌گفت «بسیار قدردان» سازمان سیا CIA هستم چرا که «با افرادی مثل ما» ارتباط برقرار کرده.

به کندی و غیر مؤثر بودن کمک‌های ضروری دولت، اعتراض داشته باشند و دست به «اعتصاب» بزنند.

اعتصاب، به معنای خاصّ کلمه، یعنی معلق ساختن هماهنگی کار از طرف کارگران و دستمزد بگیران، تا باین‌وسيله، یا به‌طورمستقیم به کارفرما فشار وارد شود و یا قدرت‌های محلی یا دولت مجبور به دخالت شوند تا در این صورت کارفرما را در تنگنا بگذارند و به هر تقدیر، همه یا لاقلاً، قسمتی از درخواست‌های کارگران و مزدبگیران برآورده شود.^[۱]

اعتصاب چه عمومی باشد و چه صنفی، چه اعتراضی بر ضدّ تجاوز به حقوق طبیعی (غیر وضعی) باشد و چه اعتراضی بر ضدّ تجاوز به حقوق شناخته شده و قانونی و به این که چه اعتراضی بر ضدّ تخطی از عرف و عادات و آداب و رسوم معمول و متعارف باشد و چه باهدف تغییر



در این‌صورت، بسته به اوضاع و احوال مختلف اجتماعی، قدرت اعتصاب‌کنندگان، رهبری آنان، قدرت آنان، قدرت نظام حاکم، تدابیر و چاره‌اندیشی‌های آنان و... یا اعتصاب‌کنندگان، اگرچه به‌طور موقت، شکست می‌خورند و خاموش می‌شوند و یا اعتصاب، عمق، وسعت و اوج بیشتری می‌گیرد و موجبات تزلزل و سقوط و زوال نظام حاکم را فراهم می‌آورد.

ب- کودتا یا انقلاب کاخی
کودتا،^[۱] که در اصل واژه‌ای فرانسوی است، در معنای عام عوم، یعنی شورش گروهی از دستگاه حاکمه بر ضدّ گروه دیگر و تلاششان برای برکنار کردن آنان از صحنه قدرت.

صفحه ۱۰

شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵

۱۰ صفر ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۱۹۴

نمی‌تواند این واقعیت را از بین ببرد. آن‌ها آبرو و زندگی خود را به خطر انداختند و من آن را فراموش نکرده‌ام. نمی‌توانست با استفاده از عباراتی مانند «ضرورت بقا» یا «مکر تاریخ» یا هر چیز دیگری، این معضل اخلاقی را نادیده بگیرد. اما اگر [مجدداً] فرصت پیدا می‌کردم، همه این کارها را دوباره انجام می‌دادم [۱]. می‌توانم پیشیمان بود و هنوز هم گفت که همه چیز ارزشش را داشته است.»

در اروپا و آمریکا، دور از آنچه ک.ک.سینها «صدای تهدید ویرانگر» نامید، واکنش‌ها متفاوت بود. مایکل پولانی سروصدا پیرامون افشاگری‌هایی که درمورد سازمان سیا شده را «بی‌ارزش» خواند و گفت: «اگر از وجود سازمان سیا باخبر بودم، با خوشحالی در سال‌های بعد از جنگ برای سازمان سیا خدمت می‌کردم.» کاستلر آن را صرفاً «طوفانی در فتنان» توصیف کرد که فروکش خواهد کرد. یهودا منوئیهن می‌گفت «بسیار قدردان» سازمان سیا CIA هستم چرا که «با افرادی مثل ما» ارتباط برقرار کرده. جورج کنان، آن طور که پیش‌بینی می‌شد، دفاعی جانانه کرد و گفت: «بهاوی مربوط به پول سازمان سیا کاملاً بی‌جا بود و نباید اجازه داده می‌شد تا این حد موجب زنجش شود.

من هرگز ذره‌ای عذاب وجدان نسبت به آن نداشتم. این کشور وزارت فرهنگ ندارد و سازمان سیا ناگزیر بود هر آنچه می‌تواند بکند تا این خلأ را پر کند. باید به خاطر انجام این کار مورد ستایش قرار گیرد، نه انتقاد.» این ایده که دخالت سازمان سیا CIA در زندگی فرهنگی غرب می‌تواند به عنوان یک ضروری دموکراسی توجیه شود، روزبه‌روز طرفداران کمتری پیدا می‌کرد.

اندرو کوپکایند با اشاره به «احساس عمیق‌تری از سرخوردگی اخلاقی» استدلال می‌کرد که: «فاصله بین شعارهای جامعه باز و واقعیت کنترل، بیش از حد تصور بود... هر کس که برای یک سازمان آمریکایی به خارج می‌رفت، به نوعی شاهد این نظریه بود که جهان بین کمونیسم و دموکراسی دوباره شده و هر چیز میانه‌ای، خیانت محسوب می‌شد. تومم اختلاف نظر حفظ می‌شد!» سازمان سیا CIA از جنگ‌جویان سرد سوسیالیست، جنگ‌جویان سرد فاشیست، جنگ‌جویان سرد سیاه و سفید حمایت می‌کرد.

فراگیری آ و انعطاف عملیات سازمان CIA مزیت‌های عمده‌ای بودند. اما این یک کثرت‌گرایی نمایشی و کاملاً فاسدکننده بود.»

پانوشت‌ها:

۱- تومم این که سازمان سیا نظر مخالفی دارد و جهان را در دوگانه دموکراسی و کمونیسم نمی‌بیند. خود را در دوراهی تعریف شده، تعریف نمی‌کند و نظر مخالفی دارد.
۲- فراگیری، بلند نظری: یعنی خود را ق‌الب تعیین شده تعریف نمی‌کند و نگاه جامع‌تری دارد. یعنی آغوش به همه جناح‌ها باز است

کودتای خزنده پیچیده‌ترین صورت کودتاست که عمدتاً مبتنی بر سیاست نفوذ در نهادهای قدرت،از جمله سه قوهٔ مجریه، مقننه و قضاییه و تشدید فضای اختلاف جناح‌های حکومتی، پیش بردن پروژه‌های فعال و پرفشار جنگ روانی و تبلیغی و ترور شخصیت و حتی ترور فیزیکی علیه آن‌هایی که ممکن است توان مقاومت در برابر کودتا را داشته باشند و نیز استفاده از تاکتیک‌های پیچیدهٔ نفوذ از درون با بهره‌گیری از جوّ بی‌تفاوتی مردمی، غفلت حاکمان و نارسایی‌های اقتصادی است.

اگر کودتا به ابتکار گروهی از مقامات دولتی یا صرفاً توسط آنان صورت گیرد، «کودتا» به معنای واقعی، نام می‌گیرد، و اگر به ابتکار گروهی از مقامات ارتشی و نظامی یا صرفاً به وسیله آنان انجام پذیرد، «کودتای نظامی» نامیده می‌شود. بنابراین، فرق کودتا با انقلاب این است که کودتا از بالا و به دست افرادی از نظام حاکم انجام می‌گیرد، در حالی که انقلاب، طغیان عموم مردم و قشرهای پایین‌بر ضدّ نظام حاکم است.

کودتا، چون نتیجهٔ نزاع بر سرر قدرت است و به انگیزه از میان برداشتن حریفان و رقابت، به‌طور طبیعی نمی‌تواند به خیر و صلاح عموم افراد جامعه منجر شود، اگرچه کودتاگران برای این‌که از تأیید و حمایت مردم برخوردار شوند، دست به یک سلسله فعالیت‌های به‌ظاهر اصلاح‌گرانه و خیرخواهانه می‌زنند.

البته می‌توان فرض کرد که در اوضاع و احوالی که مهتّای یک تحوّل بنیادی و انقلابی است، گروهی از مقامات دولتی با ارتقشی، نظام حاکم را ناگهان ساقط کنند و سپس قدرت و حکومت را به دست مردم ب‌سپارند و خود نیز کناره‌گیری کنند؛ ولی این فرضی است که لاقلاً اکنون به وقوع نپیوسته است.

کودتای خزنده پیچیده‌ترین صورت کودتاست که عمدتاً مبتنی بر سیاست نفوذ در نهادهای قدرت، از جمله سه قوهٔ مجریه، مقننه و قضائیه و تشدید فضای اختلاف جناح‌های حکومتی، پیش بردن پروژه‌های فعال و پرفشار جنگ روانی و تبلیغی و ترور شخصیت و حتی ترور فیزیکی علیه آن‌هایی که ممکن است توان مقاومت در برابر کودتا را داشته باشند و نیز استفاده از تاکتیک‌های پیچیدهٔ نفوذ از درون با بهره‌گیری از جوّ بی‌تفاوتی مردمی، غفلت حاکمان و نارسایی‌های اقتصادی است.^[۱]

پانوشت‌ها:
۱- Revolution
۲- ک.ک.بمن آقایی و غلام‌رضا علی‌بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، ۲۴ و شهیار زرنشلی، واژه‌نامه فرهنگی، سیاسی، ج ۱، ۱۳۸۲، ۲۲ و ها، آرت، انقلاب، ص ۵۷، GreveStrike
۳- توماس سوهو، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، ص ۱۷۲-۱۷۳
۴- همان، ص ۱۷۲
۵- Coup d'Etat
۶- Revol, Insurrection, Insurgency, Rebellion, Backlash